

دکتر سید جمال سیفی

وکیل پایه یک دادگستری

تحولات، مسائل و دورنماهای داوری بین‌المللی ایران

اشاره

در کنفرانس سال ۲۰۰۰ کانون بین‌المللی وکلا (International Bar Association) از آقای دکتر سید جمال سیفی دعوت شده بود که در قالب «تحولات، مسائل و دورنماهای داوری در خاورمیانه» در اجلاس مشترک کمیته داوری اتحادیه و مجمع منطقه‌ای عربی - که هر دو از نهادهای اتحادیه هستند - سخنرانی نماید. ایشان مباحث خود را در مورد «تحولات، مسائل و دورنماهای داوری بین‌المللی در ایران» ارائه نمود. در زیر ترجمه فارسی این سخنرانی از متن اصلی انگلیسی برای استحضار همکاران محترم منتشر می‌شود.

مقدمه

من در سخنرانی خود تنها راجع به ایران صحبت خواهم کرد. مطمئن هستم در میان سخنرانان حقوقدانان شایسته‌ای از کشورهای دیگر خاورمیانه هستند که راجع به کشور یا منطقه خود سخن خواهند گفت. موضوع کنفرانس امسال کاملاً وسیع است و در عین حال متضمن مسایل عملی است. بنابراین، اینجانب موضوعات زیر را در چارچوب قوانین و رویه‌های داوری بین‌المللی در ایران یا مربوط به ایران بررسی خواهم کرد و سپس اختصاراً دورنمای داوری در آینده را بیان خواهم نمود.

۱- تحولات و مسایل

الف: قوانین داوری جدید

گذشته از بررسی تاریخی، در عصر حاضر قوانین مدون داوری ایران تاریخی بیش از شصت سال دارند و مقررات نسبتاً وسیعی را در باب هشتم قانون آیین دادرسی مدنی از سال ۱۳۱۸ به این سو به خود اختصاص داده‌اند. این مقررات نسبتاً مشروح بوده و تمایزی بین داوری داخلی و آنچه که امروز از آن به داوری بین‌المللی یاد می‌شود، نمی‌شناخت.

باید بگویم که اخیراً قوانین ایران اعتماد و رویکرد تازه‌ای را نسبت به داوری از خود نشان داده‌اند. به علت اختلافات گوناگونی که به دلیل مسایل ناشی از تغییر حکومت در سال ۱۳۵۷ بین نهادهای ایرانی و شرکتها و مؤسسات اروپایی و آمریکایی ایجاد شد، ایران درگیر شمار زیادی داوری بین‌المللی در لاهه نزد دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده و در داوری‌های سازمانی و غیرسازمانی در اروپا گردید. این تجربه و نیاز به روزآمد ساختن مقررات داوری با شرایط و مقررات جاری تجارت و داوری بین‌المللی ظاهراً از جمله دلایلی بودند که مقامات ایران را ترغیب به وضع قانون جدیدی راجع به داوری بین‌المللی نمودند. قانون جدید داوری تجاری بین‌المللی در سپتامبر ۱۹۹۷ (مهر ۱۳۷۶) لازم‌الاجرا گردید و امید است که بتواند محیطی بی‌طرف برای داوری اختلافات تجاری بین‌المللی فراهم آورد.^{**}

قانون جدید از بسیاری جهات از قانون نمونه داوری تجاری بین‌المللی کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل ملل متحد (آنسیترال) مصوب ۱۹۸۵ الگو گرفته است و در عین حال دارای تفاوت‌هایی با آن می‌باشد. تصویب این قانون موجب تمایز بین داوری داخلی، که هنوز به موجب قانون آیین دادرسی مدنی تنظیم می‌شود،^{**} و داوری بین‌المللی که طبق قانون داوری تجاری بین‌المللی تنظیم می‌شود، گردید. قانون جدید شامل داوری

- Jamal Seifi, The New International Commercial Arbitration Act of Iran - Towards Harmony with the UNCITRAL Model law, 15(2) Journal of International Arbitration (June 1998), pp.5-35.

برای ترجمه فارسی این مقاله به شماره ۲۳ مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی صص ۳۵ - ۸۱ مراجعه نمایید.
** - ماده (۱)۳۶ قانون جدید.

اختلافات در روابط تجاری بین‌المللی،* با معنی وسیعی که از آن در قانون نمونه آنسیترال مد نظر است، و جایی که حداقل یکی از طرفین موافقتنامه داوری تبعه ایران نباشد، می‌گردد.**

قانون جدید دارای پیشرفتهایی در مقایسه با مقرات داوری قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ می‌باشد. نکات زیر به ویژه قابل توجه‌اند:

- اینکه تأکید مشخصی بر داوری تجاری بین‌المللی شده است.
- اعتبار موافقتنامه داوری از حیث شکل آن وسیعاً مورد شناسایی قرار گرفته است.***
- استقلال قابل توجهی در تعیین آیین رسیدگی برای طرفین و داور مورد پذیرش واقع شده است.****

- داوری تحت نظارت سازمانهای داوری (داوری سازمانی) مورد پذیرش صریح واقع شده است.*****

- شناسایی و اجرای موافقتنامه داوری با وضوح بیشتری پذیرفته شده است.*****
- تأکید بیشتری بر بی‌طرفی همه داوران صرف‌نظر از نحوه انتخاب آنان شده است.*****

- اختیار و صلاحیت داور به تشخیص صلاحیت خود و اعتبار موافقتنامه داوری پذیرفته شده است.*****

- اختیار داور به تعیین قانون حاکم بر ماهیت اختلاف با صراحت بیان شده است.*****

- قطعیت رأی داوری و شناسایی و اجرای آن که به موجب قوانین موجود هم شناخته شده بود، مورد تأکید قوی‌تر قرار گرفته است.*****

جالب این است که قانونگذار ایران هنگام تصویب قانون آیین دادرسی مدنی جدید در آوریل ۲۰۰۰ (اردیبهشت ۱۳۷۹) تا حد کمی قدم در راه اصلاح مقررات داوری

** - همانجا، ماده ۱(ب).

** - همانجا، ماده ۲(۱).

*** - همانجا، ماده ۱۹.

*** - همانجا، ماده ۷.

**** - همانجا، ماده ۸.

**** - همانجا، ماده ۶(۲).

***** - همانجا، ماده ۱۶.

***** - همانجا، ماده ۱۲.

***** - همانجا، مواد ۳۵ - ۳۳.

***** - همانجا، ماده ۲۷(۱).

داخلی نیز برداشته است. مقررات داوری قانون آیین دادرسی مدنی جدید* مفاد قانون داوری تجاری بین‌المللی را نسخ نمی‌کند، زیرا قانون اخیر خاص بوده و حوزه شمول مخصوص خود را دارد. باب داوری قانون آیین دادرسی مدنی جدید از حیث نحوه تنظیم، مزیت‌هایی نسبت به قانون آیین دادرسی مدنی سابق دارد، لیکن عمده مفاد و روح حاکم بر آن همانست که در قانون آیین دادرسی مدنی سابق وجود داشت، نکات زیر در قانون آیین دادرسی مدنی جدید قابل ذکراند:

- تأکید مجدد بر قابلیت ارجاع اختلافات آتی به داوری.**

- ممنوعیت استعفا یا عدم مشارکت بدون جهت داور*** و تأکید مجدد بر قانونی بودن ادامه کار و تصمیم‌گیری دیوان داوری سه نفره‌ای که یکی از اعضاء آن بدون جهت استعفا داده یا در رسیدگی حاضر نشده است.***

- استقلال و بی‌طرفی همه داوران صرف‌نظر از روش انتخاب آنان.*****

- اختیار داور به درخواست توضیح از طرفین و نصب کارشناس***** و احراز اصالت سندی که ادعای جعلیت آن شده است در صورتی که موضوع تحت رسیدگی کیفری نباشد.*****

- مدون ساختن جهات و مبانی ابطال رأی.*****

- مسئولیت مدنی داور برای خسارات ناشی از تدلیس، تقلب و تقصیر وی در انجام وظیفه.*****

ب- داوری با نهادهای خصوصی و دولتی ایرانی

در ورود به داوری با اطراف ایرانی دو نکته شایسته توجه است؛ یکی به اطراف ایرانی به طور کلی مربوط است و دیگری به نهادهای دولتی.

۱- ماده ۶۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ دارای ممنوعیتی بود که اکنون در ماده ۱۱۱(۱) قانون داوری تجاری بین‌المللی و ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی جدید نیز

* - قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب، باب هفتم (مواد ۴۵۴ - ۵۰۱).

** - همانجا، ماده ۴۵۵. *** - همانجا، ماده ۴۷۳.

**** - همانجا، مواد ۴۷۴ و ۴۸۴. ***** - همانجا، ماده ۴۶۹.

***** - همانجا، ماده ۴۷۶. ***** - همانجا، مواد ۴۷۸ - ۴۷۹.

***** - همانجا، ماده ۴۸۹. ***** - همانجا، ماده ۵۰۱.

وارد شده است. موضوع این مقررہ این است که «در معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تازمانی که اختلاف ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی‌تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیأتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قرارداد که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود.» (ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب).*

این مقررہ می‌خواهد که طرف ایرانی را از تسلیم پیش از وقوع اختلاف به صلاحیت داور منفرد هم تابعیت با طرف خارجی یا داوران یا هیأت داورى که منحصراً (یا به طور غالب) دارای تابعیت طرف خارجی اند، حمایت نماید و نباید طوری تفسیر شود که به هر ترکیب داورى که طبعاً ممکن است در آن یک داور با تابعیت طرف خارجی دعوی نیز حاضر باشد، تسری یابد. در مواردی که این موضوع در داورى‌های بین‌المللی مربوط به اطراف ایرانی مطرح بوده تفسیر فوق مورد پذیرش واقع شده است. اخیراً دیوان داورى که به موجب مقررات اتاق تجارت و بازرگانی بین‌المللی تشکیل شده بود، استدلال خواننده غیر ایرانی را مبنی بر این که شرط داورى بین او و طرف ایرانی مشعر بر داورى ICC به دلیل ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی باطل است، مردود شناخت. دیوان داورى مذکور نظر داد که ماده ۶۳۳ تنها ارجاع به داورى که منحصراً و یا به طور غالب و فائق مرکب از داوران هم تابعیت با طرف خارجی باشند، منع می‌کند.** به بیان دیگر به دلیل مقررہ بند ۶ ماده ۲ قواعد ۱۹۸۸ ICC که مشعر بر رعایت تنوع تابعیت داوران در هنگام نصب آنان است، شرط داورى ارجاعی به داورى ICC ناقض ممنوعیت مذکور در ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیست.

۲- مقررہ خاصی که عنواناً مانع نهادهای دولتی از تسلیم به داورى باشد وجود ندارد. در حقیقت به دلیل اشتغال سنگین نهادهای دولتی در امور تجاری و اقتصادی در بیشتر قضایای داورى بین‌المللی اخیر نهادهای دولتی به عنوان خواهان یا خواننده طرف دعوی

* - لحن ماده ۶۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی سابق تا حدی از ماده (۱)۱۱ قانون داورى تجاری بین‌المللی و ماده ۴۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی جدید بهتر بود و ابهام کمی ایجاد می‌کرد.
 ** - رأی داورى صادره در سال ۱۹۹۹ (منتشر نشده است).

بوده‌اند. لیکن اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اکنون در ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی جدید هم تکرار شده، مقرر می‌کند که ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس صورت می‌گیرد و در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و یا موضوع دعوی از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

اصل ۱۳۹ عنواناً نهادهای دولتی را از ورود به داوری منع نمی‌کند. لیکن از آنجایی که نهادهای دولتی تصدی اموال عمومی و دولتی را دارند، اکثریت غالب دعاوی که نهادهای دولتی طرف آن هستند طبعاً راجع به اموال عمومی و دولتی است و بنابراین مشمول اصل ۱۳۹ است.

شورای نگهبان که مرجع صالح برای تفسیر قانون اساسی است تفسیر رسمی از این اصل ارایه نکرده است. در هر حال مراتب زیر تا حدی تثبیت شده است.

- صرف سهامدار بودن دولت یا نهادهای عمومی در یک شرکت تجاری که از بودجه عمومی تغذیه نمی‌کند آن را مشمول اصل ۱۳۹ قرار نمی‌دهد. مورد فوق سالها پیش در رأی دادگاه حقوقی یک تهران مورد تأیید قرار گرفت. دادگاه مذکور ضمن تأیید اصل احترام به حقوق مکتسب تأیید کرد که اصل ۱۳۹ اثری به گذشته ندارد و صرف سهامدار بودن دولت در شرکتهای تجاری که از بودجه عمومی تغذیه نمی‌شوند، آن شرکتها را مشمول اصل مذکور قرار نمی‌دهد.*

- به دلیل حجم زیاد موافقتنامه‌های داوری منعقد به طور روزمره نهادهای دولتی وارد قراردادهایی می‌شوند که دارای شرط داوری است، بدون این که الزاماً ترتیبات اصل ۱۳۹ رعایت شود. نظر کاملاً غیررسمی این نهادها این است که اصل ۱۳۹ ممنوعیتی است که به موضوع داوری ناظر است و این که تا اختلاف واقع نشود دعوی راجع به اموال عمومی الزاماً حادث نشده است، بنابراین تنها پس از حدوث اختلاف

* - رأی شماره ۲۷۳ مورخ ۶۱/۵/۲۹ شعبه ۳۵ دادگاه حقوقی یک تهران، به نقل از گزیده آراء دادگاههای حقوقی، مجموعه سوم - تدوین محمدرضا کامیار - چاپ اول ۱۳۷۶، نشر حقوقدان ص ۵۱.

ترتیبات اصل ۱۳۹ باید رعایت شود.*

بحثهای راجع به اصل ۱۳۹ جای مهمی را در بعضی از داوری‌های مهم دو دهه اخیر به خود اختصاص داد. اطراف ایرانی یا غیرایرانی، حسب مورد، به اصل ۱۳۹ استناد جستند تا از داوری اجتناب کنند، لیکن با موفقیت کمی روبرو شدند، دیوانهای داوری مستقر در اروپا عدم متابعت از موازین اصل ۱۳۹ را مانعی بر انعقاد موافقتنامه داوری نشناختند. به طور نمونه، رأی داوری در قضیه شماره ۴۳۸۱ اتاق بازرگانی بین‌المللی، از جمله دلایل زیر را در رد استناد طرف ایرانی به اصل ۱۳۹ ذکر کرد:

«اسناد ارایه شده در این رسیدگی نشان می‌دهد که خواننده خود به عنوان یک شرکت دولتی به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون مجوز لازم نمی‌توانسته وارد موافقتنامه داوری شود. لیکن باید در نظر داشت که عیبی که بر موافقتنامه وارد شده است در زمان تنظیم آن به اطلاع خواهان نرسیده است. سوابق و رویه داوری به دلیل مخالفت آن با نظم عمومی بین‌المللی نمی‌پذیرد که یک نهاد دولتی هنگام معامله با طرف خارجی وارد موافقتنامه داوری شود و موجب اطمینان وی گردد، لیکن به محض شروع جریان داوری یا اجرای رأی به بی‌اعتباری تعهد خود استناد جوید...»

به دلایل مشابه دیوانهای داوری بین‌المللی استدلال اطراف غیرایرانی را نیز که خواستار اعلام بی‌اعتباری موافقتنامه داوری به استناد اصل ۱۳۹ بودند، رد کرده‌اند. می‌توان استدلال کرد که در مواردی که شرایط و مقررات اصل ۱۳۹ به طور وضوح برای طرف خارجی اعلام شده، استناد به اصل مذکور می‌تواند موجه باشد. این حرف به این معنی نیست که هنگام انعقاد موافقتنامه داوری طرف غیرایرانی باید بر رعایت دقیق ترتیبات اصل ۱۳۹ اصرار ورزد. امری که می‌تواند بسیار وقت‌گیر باشد. توصیه می‌شود که طرف خارجی که با اطراف ایرانی موافقتنامه داوری منعقد می‌کند، خواهان ابراز کتبی این بیانیه از جانب طرف ایرانی باشد که ترتیبات اصل ۱۳۹ توسط طرف ایرانی رعایت گردیده است.

می‌توان گفت که نهادهای دولتی ایرانی به طور کلی آماده متابعت از موافقتنامه داوری هستند. دفاعیات مقطعی راجع به اصل ۱۳۹ مانع از این نبوده است که آنان با جریان داوری همکاری نمایند. آنان به خوبی می‌دانند که در بسیاری موارد خود می‌توانند خواهان قضیه داوری باشند و لذا استناد بیش از حد به اصل ۱۳۹ می‌تواند نتیجه عکس بدهد.

ج. داوری طبق قواعد داوری بین‌المللی، در محلی بی‌طرف و به موجب قواعد داوری بی‌طرف به نظر می‌رسد که در دو دهه اخیر تعداد موافقتنامه‌های داوری مشعر بر داوری طبق قواعد داوری بین‌المللی در محلی بی‌طرف افزایش یافته است. طرفهای ایرانی، از جمله نهادهای دولتی، سیاستی ضد داوری بین‌المللی ندارند. در گذشته دور و نزدیک مشاهده شده است که شروط داوری مشعر بر داوری در محلهایی مانند پاریس، زوریخ، ژنو، وین و استکهلم طبق قواعد داوری ICC، آنسترال و داوری غیرسازمانی بین نهادهای دولتی یا شرکتهای خصوصی تنظیم و مبنای داوری قرار گرفته است. در بعضی از این قضایا قانون ایران حاکم بر اختلاف تعیین شده بود. در دو مورد از آنها قانون اطریش (به عنوان قانون بی‌طرف) و قانون اسپانیا (به عنوان قانون طرف غیرایرانی) انتخاب شده بود در یک مورد دیگر قرارداد راجع به قانون حاکم ساکت بود.

جالب این که در یک داوری اخیر بین شرکت مهم دولتی ایرانی و طرف خارجی، علی‌رغم پیش‌بینی تهران به عنوان محل داوری در شرط داوری، طرف ایرانی داوطلبانه پذیرفت که محل داوری را به جایی در اروپا تغییر دهد تا جریان رسیدگی را از حیث نگرانی‌های خواننده و تسهیلات و قابلیت دسترسی آسان‌تر نماید.

مختصراً، می‌توان گفت که اطراف ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که داوری در محل بی‌طرف در بردارنده مزایایی برای آنان نیز هست، مانند تأمین بی‌طرفی در رسیدگی و تسهیل اجرای رأی (به بخش «د» در زیر مراجعه نمایید).

در مورد قانون حاکم بر ماهیت چنین به نظر می‌رسد که سیاست بخش دولتی این باشد که نخست سعی نمایند تا قانون ایران انتخاب شود. لیکن این کار الزامی نیست. اگر ملاحظات تجاری یا قانونی انتخاب قانون دیگری را توجیه کند، انتخاب قانون ایران مورد اصرار قرار نمی‌گیرد. لیکن از انتخاب قانون طرف دیگر تا حد ممکن اجتناب

می شود. اولویتها به شرح زیر است:

۱- قانون ایران، ۲- اگر مورد اول قابل توافق نباشد سکوت مرجع است (هر چند این روش درست به نظر نمی رسد)، ۳- اصول کلی حقوقی، ۴- قانون کشور بی طرف و ۵- به عنوان راه حل نهایی و اگر همه ملاحظات قانونی و تجاری ایجاب کند قانون خارجی می تواند مورد ملاحظه قرار گیرد.

د- مسایل راجع به انجام داوری بین المللی در ایران یا انجام داوری به موجب قانون ایران

در بررسی مسایل راجع به وقوع محل داوری در ایران یا داوری به موجب قوانین ایران باید در نظر داشت که مقررات قانون داوری تجاری بین المللی ایران هنوز در بوته آزمایش عملی قرار نگرفته است و اظهار نظر در مورد کاربرد آن زود است. لیکن براساس مقررات این قانون از جهت نظری می توان گفت که:

۱- قانون مذکور اولویت مقررات داوری بین المللی اعم از سازمانی یا غیرسازمانی را در صورت پذیرش آن در موافقتنامه داوری مورد تأیید قرار می دهد. نه تنها داوری سازمانی و حدود آن در این قانون پذیرفته شده است* بلکه همچنین حاکمیت اراده طرفین داوری ویژگی بارز اغلب مفاد این قانون است.** بنابراین، عادتاً مقررات داوری بین المللی به عنوان بخشی از موافقتنامه طرفین بر قوانین ایران غالب خواهد بود، مگر این که مغایر قواعد امری قانون مذکور باشد. داوری بین المللی که در ایران انجام می شود مانند هر داوری بین المللی دیگر نباید ضوابط نظم عمومی محل داوری را چه از حیث اداره جریان رسیدگی و چه از حیث قانون اعمال شده در ماهیت نقض نماید. از حیث جریان رسیدگی ضوابط نظم عمومی و امری عادتاً در قانون مذکور انعکاس دارند، مانند قواعد بنیادین دادرسی، تساوی رفتار با طرفین و مانند اینها.

۲- از حیث قانون حاکم بر ماهیت عیناً حاکمیت اراده طرفین جاری است. اما مانند بسیاری از کشورها قانون ایران مقرر می دارد که:

محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف

اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت

* ماده ۶(۲) قانون داوری تجاری بین المللی.

** همانجا، به طور نمونه مواد ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۷.

دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگر چه اجرا قوانین مذکور اصولاً مجاز باشد.*

ماده فوق خطاب به دادگاه تنظیم شده اما عیناً بر رفتار داور در اعمال قانون خارجی نیز حاکم است زیرا رأی داوری مغایر با نظم عمومی ایران باطل است،** و این حقیقت که داور بین‌المللی فاقد مقر (Lex fori) است تأثیری در نتیجه فوق ندارد. بنابراین نیاز به توسعه مفهوم روشنی از نظم عمومی در چارچوب روابط تجاری بین‌المللی در حقوق ایران محسوس است. در بادی امر می‌توان گفت که اصول امری شریعت اسلامی بخش اصلی نظم عمومی ایران را تشکیل می‌دهد. خوش‌بختانه پس از چندی اختلاف نظر در سالیان گذشته، قوانین ایران مجدداً مفاهیمی مانند رأی به هزینه دادرسی و خسارت تأخیر تأدیه را پذیرفته‌اند. مواد ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی جدید، به ترتیب رأی به هزینه دادرسی و تا حدی رأی به خسارت تأخیر تأدیه را پذیرفته‌اند. علاوه بر آن این قانون اولویت کامل به توافق طرفین از حیث شکل و مقدار خسارت داده است.***

۳- با توجه به تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی و حوزه شمول آن، ممکن است که رأی داوری صادره در ایران نیاز به اجرا در خارج از ایران داشته باشد. همان طوری که در زیر بحث خواهد شد (بخش ذ) ایران هنوز عضو کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ راجع به شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی نیست. بنابراین، رأی داوری صادره در ایران از بخت کمی در شناسایی و اجرا در کشورهای عضو کنوانسیون نیویورک که با انجام رزرواسیون ماده ۱(۳) تنها خود را متعهد به شناسایی و اجرای رأی داوری صادره در یک کشور عضو می‌دانند، برخوردار است. امید است که با پیوستن ایران به کنوانسیون

* - ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران. این ماده شبیه مقرراتی است که در قوانین بسیاری از کشورها یافت می‌شود، زیرا که عموماً پذیرفته شده است که هیچ کشوری اجازه اعمال قانون خارجی را در صورتی که مغایر با نظم عمومی وی باشد نمی‌دهد. بطور مثال ماده ۱۷ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس می‌گوید: «اجرای قانون خارجی در صورتی که به نتیجه‌ای مغایر با نظم عمومی سوئیس بیانجامد ممنوع است.»

** - طبق ماده ۲(۳۴) قانون داوری تجاری بین‌المللی «رأی داوری مغایر با نظم عمومی، اخلاق حسنه و قواعد امری این قانون باطل است.»

*** - ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب.

نیویورک این مشکل حل شود.

ذ - شناسایی و اجرای آراء داوری داخلی و خارجی

۱- آراء داوری داخلی - شناسایی و اجرای آراء داوری داخلی و آراء داوری صادره بر طبق قانون داوری تجاری بین‌المللی، نسبتاً روشن است. مقررات صریحی در این مورد در باب داوری در قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ وجود داشت که رأی داوری را لازم‌الاجرا و واجد صدور دستور اجرا توسط دادگاه می‌دانست.* قانون آیین دادرسی مدنی جدید هم در ماده ۴۸۴ تصریح می‌کند که دادگاه باید دستور اجرای رأی داوری را به درخواست یک طرف صادر کند، مگر این که بنابه درخواست طرف دیگر به این نتیجه برسد که رأی داوری بنابه دلایل مشخص مندرج در این قانون اعتبار ندارد.**

ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی نیز مقرر می‌کند که به جز در مواردی که رأی می‌تواند به درخواست یک طرف بر طبق ماده ۳۳ ابطال گردد و یا طبق ماده ۳۴ اساساً باطل باشد، رأی داوری باید توسط دادگاه مورد شناسایی و اجرا قرار گیرد. قانون مذکور بر تفکر جانبدار اجرا استوار است به نحوی که به موجب ماده ۳۵ (۲) هنگامی که یک طرف درخواست شناسایی و اجرای رأی و طرف دیگر درخواست ابطال آن را کرده است، دادگاه می‌تواند بنابه درخواست خواهان شناسایی و اجراء، از طرف دیگر بخواهد که تأمین مناسبی بدهد.

جالب این است که قانون داوری تجاری بین‌المللی برخلاف قانون نمونه آنسیترال حوزه جغرافیایی - سرزمینی اجرای خود را معین نکرده است و لذا در خود قانون اجرای آن محدود به داوری‌های واقع در ایران نشده است، مگر این که به موجب مواد ۲-۵ قانون مدنی بتوان چنین استنباطی را نمود. معلوم نیست این سکوت عمدی بوده یا خیر؟ لیکن ماده ۳۵ همین قانون عمدی بودن این سکوت را تأیید می‌کند زیرا که ماده مذکور از

** - ماده ۶۵۵. مگر این که دادگاه به درخواست یک طرف رأی داوری را به دلیل نقض قواعد موجد حق، خروج داور از صلاحیت و تعارض رأی با مفاد اسناد رسمی باطل اعلام کند.

*** - همچنین مواد ۴۸۹ و ۴۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب: بنابه ماده ۴۸۹ این دلایل عبارتند از خروج از اختیارات، خروج از صلاحیت، صدور رأی توسط داوری که فاقد صلاحیت شناخته شده، صدور رأی بعد از محدوده زمانی مقرر، بی‌اعتباری موافقتنامه داوری و تعارض رأی با حق یکی از طرفین که به موجب اسناد رسمی شناخته شده است.

لفظ «شناسایی و اجرای آراء داوری صادر بر طبق این قانون» استفاده می‌کند و نه لفظ «آراء داوری صادره در ایران». بنابراین، از دید نظری این بحث قابل طرح است که از نظر این قانون اعمال آن به عنوان قانون حاکم بر جریان داوری در داوری‌های واقع در خارج از ایران هم منعی ندارد. این امر نه تنها موجب شناسایی و اجرای آراء داوری که در خارج از ایران بر طبق این قانون صادر شده می‌شود* بلکه درجه‌ای را برای این استدلال وسیع‌تر باز می‌کند که کلیه آراء داوری بین‌المللی صادره در خارج از ایران در صورتی که با ضوابط امری قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مطابقت داشته باشد در ایران قابل شناسایی و اجراست، برای این که در مورد اخیر هم صرف‌نظر از این که محل صدور رأی کجا بوده و به موجب چه مقرراتی داوری شده مطابقت رأی با ضوابط امری قانون مذکور حاصل است. به بیان دیگر، دادگاه می‌تواند در هنگام درخواست شناسایی و اجرای آراء داوری بین‌المللی صادره در خارج از ایران به استناد این قانون و در صورتی که با ضوابط امری آن مغایر نباشد، دستور اجرا صادر نماید.

۲- آراء داوری خارجی - ایران عضو کنوانسیون نیویورک (۱۹۵۸) راجع به شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی نیست. قوانین مدون ایران هم مقرر صریحی در این مورد ندارند. لیکن مقرراتی در قوانین ایران راجع به شناسایی و اجرای احکام قضایی خارجی وجود دارند. این امر شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی را در وضعیت مشابه با کنوانسیون نیویورک قرار نمی‌دهد. اما اعتقاد بر این است که شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی در ایران منع نشده و میسر است.**

دیدگاهی که توسط بعضی حقوقدانان ایرانی مطرح شده این است که مقررات قانون آیین دادرسی مدنی در هنگام سخن گفتن از اجرای آراء داوری، آراء داوری خارجی را مستثنی نمی‌کند. بر این اساس اخیراً شعبه‌ای از دادگاه حقوقی تهران دستور ابلاغ رأی داوری صادره در سوئیس را به منظور اجرای آن صادر کرد.***

* - رک به مقاله مورد اشاره در پانوشت ۱ ص ۱۰.

- Jala Abdoh "National Report on Iran", Yearbook Commercial Arbitration, Vol. IV(1919), pp.101-103.

*** - دستور شماره ۳/۷۳/۲۷۶ مورخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۴ شعبه ۳ دادگاه حقوقی یک تهران (چاپ نشده است).

رویکرد دیگر قابلیت اعمال قانون اجرای احکام مدنی خارجی نسبت به آراء داوری خارجی است. قانون اجرای احکام مدنی خارجی صریحاً شامل آراء داوری خارجی نمی‌شود و صریحاً آن را مستثنی نمی‌کند. ماده ۲۸ این قانون از دید بعضی حقوقدانان در برگیرنده آراء داوری خارجی نیز می‌شود. این ماده می‌گوید که آراء داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمی‌باشد. قابلیت اعمال قانون مذکور به آراء داوری خارجی تابع تفاسیر متضاد است و تصمیم قضائی له و علیه این تفاسیر در دسترس نیست. در هر حال این نکته مقبولیت بیشتری دارد که رأی داوری خارجی که نسبت به آن در کشور محل داوری اجراییه صادر شده است در حوزه قانون اجرای احکام مدنی خارجی قرار گرفته و قابل اجرا است.*

مضافاً، ایران عضو تعداد اندکی معاهدات دو جانبه است که این معاهدات از جمله شناسایی و اجرای آراء داوری صادره در قلمرو طرفین مربوطه را مقرر می‌کنند. به طور نمونه، پروتکل ضمیمه معاهده راجع به «ارتقاء و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری» منعقد شده بین ایران و جمهوری فدرال آلمان مورخ نوامبر ۱۹۶۵ در ماده ۶ بیان می‌کند که آراء داوری صادره در قلمرو هر یک از طرفین متعاقد یا در قلمرو یک کشور ثالث، در ایران و آلمان قابل اجراست. ماده ۸ این پروتکل هم می‌گوید که «درخواست اجرای رأی داوری تنها می‌تواند به استناد ماده ۵ کنوانسیون نیویورک رد شود». در قضیه‌ای که در گذشته دور تصمیم‌گیری شده است شعبه دیوانعالی کشور اجرای معاهده مذکور را براساس اصل دولت کاملت الوداد به رأی داوری صادره در انگلیس نیز تسری داد.*** این کار نوعی پایبندی داوطلبانه دستگاه قضائی ایران به کنوانسیون نیویورک تلقی شد.**** همه اینها شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی را در وضعیت مساوی با کنوانسیون نیویورک قرار نمی‌دهد. بنابراین، الحاق ایران به کنوانسیون مذکور کاملاً ضروری است. شنیده شده است که دولت لایحه‌ای را جهت الحاق به این کنوانسیون تهیه نموده است تا

* - به موجب ماده ۱۶۹ این قانون علاوه بر شرط عمل متقابل، ارایه کپی مصدق رأی و تأیید قطعیت آن و صدور اجراییه در کشور محل حکم قضائی، از جمله، برای درخواست اجراء حکم قضائی خارجی ضروری است.

*** - رأی شماره ۱۴۷۸، مورخ ۷ دی ماه ۱۳۵۱، به نقل از لغیا جنیدی؛ قانون حاکم بر داوری‌های تجاری بین‌المللی، تهران ۱۳۷۶، صص ۱۶۵ - ۱۶۶. **** - همانجا.

تسلیم مجلس نماید. امید است که این لایحه از تصویب بگذرد، زیرا این امر همراه با تلاشهای راجع به جلب سرمایه‌گذاری خارجی ضروری است. در واقع تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی بدون پیوستن به کنوانسیون نیویورک امری ناتمام است.

۲- دورنما

براساس مطالب پیش گفته، احساس می‌شود که دورنمای توسعه داوری در ایران امیدوارکننده است. در سطح قانونگزاری تلاش شده است که قوانین داوری روزآمد شوند و چارچوبی نسبتاً مدرن برای داوری اختلافات تجاری بین‌المللی فراهم آید و در عین حال سعی می‌شود که کمبودها کاهش یابد. در سطح حرفه‌ای اکنون آگاهی خوبی نسبت به نقش داوری وجود دارد، به طوری که تعدادی حقوقدان با تجربه نسبی وجود دارند که می‌توانند به ایجاد یک رژیم داوری یاری رسانند. سعی می‌شود که نهادهای داوری مانند انجمن ایرانی داوری فعال شوند و به آموزش و آشنایی حقوقدانان با داوری مدد رسانند و شاید به اداره داوری نیز بپردازند. همچنین آگاهی فزاینده‌ای در میان جامعه تجاری بخش خصوصی و عمومی نسبت به مزایای داوری وجود دارد. همه اینها می‌توانند یاری نمایند که نظام حقوقی دوستدار داوری که برای موفقیت یک نظام داوری اساسی است، شکل بگیرد.